

عنوان مقاله: تمدن اسلامی

From: Lewis, Bernard 1993, The Arabs in History, oxford university press

مترجم: غلامرضا جمشیدی ها

منبع: فصلنامه تاریخ اسلام سال نهم بهار و تابستان ۱۳۸۷

شماره ۳۳-۳۴

صص ۲۰۷-۲۲۶

- مقاله ابتدا به توانمندی ها و نقش محوری زبان عربی خصوصا بر نقش فرهنگی آن از صدر اسلام تا عصر حاضر اشاره می کند. سپس بر این تاکید می شود که اسلام تنها نظامی صرفا اعتقادی نیست بلکه نظامی حکومتی، اجتماعی، حقوقی فکری و هنری است که در آن مذهب نقش مرکزی را دارد. این دو موهبت یعنی زبان و مذهب نقش عمده ای در شکل گیری تمدن اسلامی داشته اند.

- تمدن اسلامی علاوه بر استفاده از دستاوردهای تمدن های دیگر چیزهای زیادی بر آن اضافه کرده سات. مشخصه بارز این تمدن یکی قدرت همگون سازی فرهنگی و دیگری توان تحمل نسبی آن است. در پایان بار دیگر، زبان عربی با زبان های زنده دنیا همانند انگلیسی و فرانسه و بر توانمندی ها و نقش وحدت بخش آن تاکید می شود.

- علوم از مناطق مختلف دنیا به زبان عربی منتقل شد، عربی آنها را زینت بخشید و باید قلب انسان ها نمود، در حالی که زیبایی های این زبان در رگ و پی آنها جاری گشت.

- در دوران عظمت امپراطوری های اسلامی و عرب در حوزه خاورمیانه و خاور نزدیک تمدن با شکوهی شکل پرفت که ان را **تمدن عربی** می نامند. این تمدن را مهاجمان عرب از صحرا به صورت آماده نیاوردند بلکه بعد از فتوحات و با همکاری ملت های بسیاری نظیر اعراب، ایرانیان، مصریان و دیگران خلق گردید. این تمدن کاملا هم اسلامی نبود. زیرا بسیاری از مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان نیز در زمره خالقان آن بودند. ولی بازار اصلی بیان این تمدن زبان عربی بود که تحت تاثیر اسلام و طرز تلقی آن از زندگی قرار داشت. سهم اعراب در این تمدن جدید و اصیل که تحت حمایت آنها تکامل یافت زبان و ایمان آنها بود.

- زبان عربی یکی از زبان های سامی است و از بسیاری جهات غنی ترین آنها است . ساکنان شمال عربستان در دوران پیش از اسلام مردمی بدوی بودند و زندگی آنها به شیوه ای بدوی و پرمشقت بود. آموزش و پرورش یا فرهنگ رسمی در سطح پایین قرار داشت و از سنت مکتوب تقریبا خبری نبود، با این حال از زبان شعر و سنتی غنی برخوردار بودند.

• شعر آنان دارای وزن و قافیه عالی، بیان رسا و ویژگی های صوری خاص شعر کلاسیک بود که الگوی بسیاری از شاعران متأخر عربی گردید. این شعر سرشار از احساس و مجاز بود و محدودیت مضامین آن باعث گردید که به ابزاری برای بیان واقعی زندگی بادیه نشینان تبدیل شود که با شراب، عشق، جنگ، شکار، مناظر زمخت و دلهره آور کوه و بیابان، رشادت جنگی مردان قبیله و فساد و پستی دشمنان در هم تنیده بود از آن چه گفته شد می توان پی برد که این شعر، آثار ادبی در باب انتزاع یا تفکر ناب نیست.

انتزاع یا تفکر ناب

- فتوحات اعراب باعث گردید که زبان عربی به زبان امپراتوری تبدیل شود. از این گذشته طولی نکشید که عربی، زبان فرهنگی وسیع و عظیم گردید. زبان عربی بسط و گسترش یافت تا به این دو نیاز پاسخ گوید تا حدودی با وام گیری لغت و عبارات جدید، لکن عمدتاً با تکامل از درون، ساخت لغات جدید با استفاده از ریشه های قدیمی و دادن معنایی جدید به کلمات قدیمی صورت گرفت.

**ساخت لغات جدید با
استفاده از ریشه های
قدیمی**

**دادن معنایی جدید به
کلمات قدیمی**

• برای مثال واژه «مطلق» مفهومی است که برای اعراب پیش از اسلام کاملاً غیر ضروری بود و معادل عربی آن واژه «مجرد» است که صیغه مجهول از «خرد» به معنای لخت کردن و برهنه کردن است که معمولاً برای اقاکیا به کار می رفت و با واژه های «خرد»، اقاکیا و «جریده»، برگ مرتبط و هم خانواده است. زبانی که بدنی شیوه تکامل یافت، دارای واژگانی رسا، مملوس و تصویر گونه بود که در آن هر واژه دارای ریشه ای در زبان و سنت اعراب داشت. بدین سان امکان تاثیر مستقیم وب دون مانع مفاهیم و مقاصد بر ذهن با استفاده از واژگان آشنا و ملموس و نفوذ به لایه های عمیق تر شناخت را فراهم می آورد.

- زبان عربی که بدین سان غنی گردیده بود، مدت ها پس از سقوط امپراتوری عربی نیز تنها بازار فرهنگ باقی ماند. همراه با زبان اعراب شعر آنها به مثابه مدل کلاسیک و دنیایی از مفاهیم موجود در آن نیز به صحنه آمد. مفاهیمی دقیق و عینی تا انتزاعی هر چند ظریف و رمزگونه اغلب دارای بلاغت و مطمئن تا خصوصی و شخصی، خطابه مانند و نامنظم نه حماسی و منظم. ادبیاتی ه در ان تاثیر واژگان و صورت بیان از انتقال صرف معانی اهمیت دارد.

انتقال صرف معانی

- نکته شگفت انگیز عربی سازی مناطق فتح شده بیش از فتح نظامی آنها در گسترش تمدن عربی نقش داشت تا **قرن یازدهم** زبان عربی نه تنها زبان تکلم روزانه از مردم ایران تا پیرنه، بلکه همچنین ابزار عمده فرهنگ نیز شده بود. زبانی که جان زبان های فرهنگ باستانی ، نظیر قبطی، آرامی، یونانی و لاتین را نیز گرفت. با گسترش زبان عربی تفاوت و تمایز فاحان عرب و ملت های مغلوب کم رنگ گردید.

**زبان تکلم روزانه از مردم
ایران تا پیرنه**

- هر چند کلیه افرادی که به زبان عربی تکلم می کردند و به اسلام گرویده بودند متعلق به جامعه واحدی انگاشته می شدند. ولی لفظ «عرب» بار دیگر محدود به بادیه نشینانی شدند که در آن جا به دنیا آمده بودند و یا به عنوان لقبی برای این قشر اشرافی به کار برده می شد که اهمیت اجتماعی و اقتصادی چندانی نداشتند.

قشر اشرافی

• در خارج از قلمرو سرزمین های عربی شدن نیز زبان عربی تاثیر چشمگیری بر زبان دیگر مسلمانان داشت. زبان مردم مسلمان ایران، ترکیه و بعدها زبان های اردو ، مالایی و سواحیلی زبان های جدیدی بودند که با خط و الفبای عربی نگارش یافتند و شامل واژگان فراوانی از عربی بودند همانند واژگان یونانی و لاتین در زبان انگلیسی که قلمرو مفاهیم و معانی را تحت سیطره خود در آورده اند.

زبان های اردو ، مالایی و سواحیلی

- بقا و گسترش عربی صرفاً محدود به خود زبان نبود، آن گونه که مثلاً در مورد زبان لاتین در دوران قرون وسطی در غرب شاهد هستیم، به همراه زبان عربی، سنت و سلیقه عربی نیز در انتخاب و بیان مضامین به کار گرفته شد.

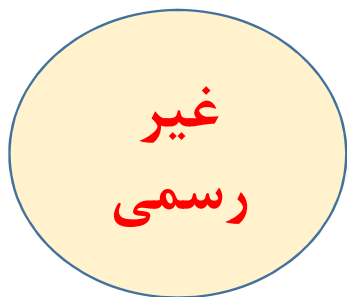
• مثال بارز آن، اشعاری است که ایرانیان تا قرن یازدهم به زبان عربی سرودند و مقایسه آن با اشعار سروده شده به زبان فارسی در دوران متاخر که در آن ایران اسلامی شاهد فرهنگ اسلامی مستقلی از آن خود بود. شعر عربی ایرانی از جهات بسیاری با شعر اولیه خود اعراب متفاوت است. با این حال با سلیقه عربی هماهنگ بوده و هم اکنون نیز این شعر به مثابه بخشی از میراث عربی اعراب مورد تحسین اعراب است. این ذوق و سلیقه عربی در شعر حماسی و غزلی دوره های بعد شعر فارسی وجود ندارد.

شعر حماسی و غزلی

• اسلام دستاورد سرزمین عربستان و پیامبر آن، - تنهانظامی از اعتقادات و آیین نبود، بلکه نظامی حکومتی، اجتماعی، حقوقی، فکری و هنری نیز بود. تمدنی که در آن مذهب عامل وحدت بخش و در نهایت مسلط بود. از هجرت پیامبر به بعد اسلام نه تنها به معنای تسلیم در برابر دین جدید بلکه تسلیم در قبال اجتماع جدید نیز بود. در واقع تسلیم در برابر اقتدار مدینه و پیامبر، و بعدها در برابر امپراتوری و خلیفه، قانون آن شریعت بود. قانون مقدس که فقها از قرآن و سنت پیامبر استخراج کرده بودند شریعت نه تنها در حکم قانون بلکه به لحاظ سیاسی و اجتماعی الگوی رفتاری بود که مردم و جامعه باید به سوی آن حرکت کنند. اسلام هیچ گونه قدرت قانون گذاری را مجاز نمی دانست.

قدرت قانون گذاری

• زیرا قانون تنها از خدا و از طریق وحی می توانست سرچشمه بگیرد. ولی قوانین عرفی و خواست حاکم به صورت غیر رسمی نیز وجود داشت که بعضا به صورت محدود مورد تایید فقها قرار می گرفت. شریعتی که خداوند عطا کرده بود. کلیه جنبه های زندگی را تحت پوشش می گرفت. لذا تنها مدود به باورها و آیین های مذهبی نبود، بلکه حقوق خصوصی، کیفری و مدنی را نیز در بر می گرفت ماهیت ایده آل آن در جنبه قانونی آن، متجلی می گردید بر اساس شریعت رییس اجتماع خلیفه است.



• خلیفه جانشین خدا با قدرت مطلق در کلیه امور نظامی کشوری و دینی است که وظیفه او پاسداری از میراث ماید و معنوی پیامر است. **خلیفه خود دارای هیچ گونه قدرت معنوی نبود و توان تغییر دکترین یا خلق دکترین جدیدی را نداشت.** خلیفه مورد حمایت هیچ مقام روحانیت رسمی قرار نمی گرفت، بلکه تنها طبقه نیمه روحانی علما که خبره در قوانین الهی بودند از او حمایت می کردند و در عمل خلیفه به دست نشانده فرماندهان نظامی و سیاست مداران ماجراجو تبدیل شد و این افراد از قرن نهم به بعد احکام واقعی اسلام شدند.

- در قرن یازدهم سلطان به مثابه حاکم مطلق و غیر دینی در کنار خلیفه پیدا شد. از این به بعد سلاطین دارای قدرت و اقشاری شدند که فقها علی رغم میل خود آن را به رسمیت شناختند. در خصوص اجزای قانون نیز شاهد چنین تقابلی هستیم در کنار قاضی که قوانین الهی را اجرا می کرد دادگاه های دیگری نیز وجود داشتند که هدفشان رسیدگی به اموری بود که در حیطه صلاحیت قاضی نبود و یا به واسطه اعمال نظر شخصی باعث بی عدالتی گردیده بود.

• البته این هر دو موهبت اعراب، یعنی زبان و دین آنها، از همان آغاز از نفوذ عوامل بیرونی در امان نبود. واژگان خارجی حتی در شعر پیش از اسلام و در قرآن وجود دارد و تعداد این واژگان در دوران فتوحات اسلام بسیار بیشتر است. اصطلاحات اداری از زبان فارسی و یونانی، اصطلاحات دینی و مذهبی از زبان عبری و سریانی و اصطلاحات علمی و فلسفی از یونانی همگی مبین تاثیر وسیع تمدن های باستانی آن منطقه بر تمدن جدید در حال تولد است.

- جامعه اسلامی دوران کلاسیک جامعه ای دارای توسعه پیچیده ای بود که در درون خود عناصر متعددی با منشا های گوناگون داشت: تفکرات مسیحی، یهودی و زردشتی از نبوت، دین قانونی آخرت و عرفان و بالاخره شیوه های اداری و حکومتی ساسانیان و بیزانس شاید بتوان گفت که مهم ترین آنها تاثیر یونانی مآبی به ویژه در علم، فلسفه، هنر و معماری و تا حدود کمی در ادبیات است.

- تاثیر یونانی مآبی به قدری عظیم است که از اسلام در کنار یونان و عالم مسیحیت لاتینی به عنوان **وارث سوم** نام می برند. البته یونانی مآبی اسلام از نوع یونانی مآبی خاور نزدیک و متاخر است که تا حدودی تحت تاثیر تمدن مسیحی و آرامی رنگ و جلوه شری به خود گرفت و امتداد لا ینقطع عهد باستان متاخر و نه کشف مجدد آتن کلاسیک در غرب.

• به باور خود اعراب عالی ترین دستاورد آنها از حیث ترتیب به زمانی، شعر و هنر بیان است . شعر پیش از اسلام اغلب نقش عمومی و اجتماعی داشت و شاعر هم به مثابه مداح یا هجو نویس که گاهش نقش سیاسی هم ایفا می کرد مطرح بود. در دوران بن یامیه اشعار شفاهی دوران پیش از اسلام عربستان مدون گردید و و مدلی برای توسعه و تکامل بیشتر شعر به کار گرفته شد. در دوران بنی عباس شعر عربی با تلاش بسیاری از غی راعراب به ویژه ایرانیان نقش گردید. اولین فرد که در این زمینه به شهرت رسید بشار بن برد(متوفای سال ۷۸۴) بود. بشار بن برد فردی نابینا ، تیزهوش و درعین حال خوش قریحه بود.

- در آغاز در مبارزه بین شاعران قدیم و جدید پیشرفت هایی در زمینه مضامین و صورت شعری نسبت به شعر پیش از اسلام به دست آمد. ولی حتی این مبتکران نیز ناگزیر بودند که خود را با ذوق حاکمان و طبقه حاکمه هماهنگ سازند و بالاخره نیز پیش از تفوق نئوکلاسیسم ناکام ماندند. مشهورترین چهره نئوکلاسیسم المبتنی (۹۵۶-۹۰۵) بود که در نزد اعراب بزرگترین شاعر محسوب می گردید.

• قرآن خود اولین سند ادبیات منثور عرب است. در قرون اولیه حاکمیت اسلام ادبیات شاهد تکامل هم نثر و هم نثر مسجع بود به علاوه سرشار از نوشته های زیبایی هنری و رساله ها بود. مشهورترین چهره مقاله نویسی و در واقع نثر عربی امیر ابن بحر مشهور به الجاحظ به معنی «چشم درشت» (۸۶۹) است وی اهل بصره و از نوادگان یک برده سیاه پوست بود، گستردگی مضامین بدعت و افسون آثار او باعث گردید که وی جایگاه ویژه ای در ادبیات عرب به خود اختصاص دهد.

• علم و دانش عمدتاً منشا دینی داشت. پیدایش دستور زبان و واژگان نگاری به دلیل نیاز به توضیح و تفسیر قرآن به وجود آمد. در مدینه پیروان مکتب قدیم به معنای واقعی کلمه بر علوم دینی - تفسیر قرآن، بیان احکام و تدوین سنت - متمرکز شدند. مورد اخیر یعنی تدوین سنت باعث پیدایش فقه و تاریخ شد و تاریخ از متون شریعت و زندگی نامه نویسی مربوط به سنت (رجال) ایجاد گردد. مورد اول به متون فقهی دقیق شرعی تبدیل گردید، تاریخ در میان اعراب با نگارش زندگی نامه پیامبر آغاز گردید و با تدوین تاریخ شفاهی دوران پیش از اسلام و بعدها به ویژه با تقلید از کاتبان دربار در ایران دوران ساسانیان که گروندگان به اسلام به اعراب عرضه کرده بودند غنی تر گردید.

با تقلید از کاتبان دربار

• از دیدگاه مسلمانان تاریخ، خداقل تاریخ اسلام حایز اهمیت است، زیرا که تاریخ به منصفه ظهور رسیدن هدف خداوند در مورد انسان را نشان می دهند. به زودی مسلمانان تاریخ های حجیم از انواع مختلف را تدوین کردند. تاریخ های جهان، تاریخ های منطقه ای ، تاریخ دودمان ها، قبایل و نهادها، اولین آثار تاریخی اعراب چیزی کمی بیشتر از کتاب های منابع است که به شیوه خلاصه سنت نوشته شده است. این تاریخ شامل گزارش های شاهدان عینی است که هر یک از سلسله ای از راویان نقل کرده اند. از این کتب روایت و بعضا تاریخ تفسیری توسعه یافت که با آثار ابن خلدون (۱۳۲۲- ۱۴۰۶ میلادی) به اوج خود رسید. **ابن خلدون** بزرگترین تاریخ نویس عرب و شاید بزرگترین متفکر تاریخی قرون وسطی باشد.

• ادبیات دینی تحت نفوذ مسیحیت و یهودیت به ویژه در دوران اولیه بود، به علاوه که متون بسیاری که دارای اعتبار مشکوک یا یهودی بودند نیز وارد سنت گردیدند متون مربوط به الهیات تحت تاثیر مسیحیت سریانی و سپس تحت تاثیر تفکر یونانی شکل گرفت. تاثیر یونان در فلسفه و همه علوم - ریاضیات، نجوم، شیمی، فیزیک، تاریخ طبیعی و پزشکی بسیار بنیادی بود. تلاش وسیع در جهت ترجمه کتاب های یونانی، چه مستقیماً از نسخه های اصلی و چه از نسخه های سریانی باعث رشد جدیدی در حیطه تعلیم و تعلم در قرن نهم و دهم گردید. مدارس یونانی در اسکندریه، انطاکیه و دیگر مناطق و نیز در دانشگاه جندی شاپور - که پناهندگان نسطوری بیزانس در ایران دوران ساسانیان تاسیس کرده بود- به حیات ادامه داد.

تحت تاثیر تفکر یونانی

● نهضت ترجمه در دوران بنی امیه وقتی آغاز شد که برخی از آثار قطبی و یونانی در زمینه شیمی ترجمه شده بود در دوران عمر دوم، **ماسرجویه یکی از یهودیان بصره** با ترجمه کتاب پزشکی سریانی به عربی، بنیان علوم پزشکی عرب را بنا نهاد. مترجمان معمولا مسیحی و یهودی و عمدتا سوری بودند در دوران بنی امیه ترجمه به صورت پراکنده و فردی بود. ولی در دوران عباسیان به صورت سازمان یافته درآمد و مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت. برجسته ترین دوره قرن نهم و به ویژه دوره سلطنت مامون (۸۱۳-۸۳۳) بود. مامون مدرسه ای در بغداد برای مترجمان تاسیس کرد که دارای کتابخانه ای با کارمندان رسمی بود. یکی از برجسته ترین این مترجمان «حنین بن اسحاق» حدود (۸۷۷-۸۰۹) بود

• وی یک مسیحی و از اساتید جندی شاپور بود که مجموعه آثار جالینوس جملات نغز بغراط و بسیاری دیگر از آثار را ترجمه کرد. مترجمان دیگر به موضوعات نجوم، فیزیک، ریاضیات و غیره می پرداختند و متون مربوط به این رشته ها را از یونانی به سریانی و عمدتاً به عربی ترجمه می کردند. حتما محققانی را به مناطق مختلف و حتی به بیزانس گسیل می داشتند تا به جمع آوری کتب دست نویس بپردازند.

• برخی از این مترجمان اولیه آثاری نیز ارائه دادند که معمولاً خلاصه یا تفسیر آثار اصلی یونانی بودند. ولی به زودی نسلی از نویسندگان مسلمان ظهور کرد که عمدتاً ایرانی بودند و از میان آنها می‌توان از شخصیت‌های نظیر رازی (۸۶۵-۹۲۵) پزشک، ابن سینای پزشک و فیلسوف (۹۸۰-۱۰۳۷) و سرآمد همه نویسندگان بیرونی (۹۷۳-۱۰۴۸) پزشک منجم، ریاضی‌دان، پزشک شیمی‌دان، جغرافی‌دان و مورخ ایرانی است که محقق بدیع با دانش عمیق ست که در زمره یکی از شخصیت‌های روشنفکر بزرگ اسلامی در قرون وسطی است.

- در حوزه طی، اعراب تئوری اصلی یونان را بدون تغییر اخذ کردند. ولی با مشاهدات و تجربیات بالینی خود به آن غنا بخشیدند. در حوزه ریاضیات و فیزیک و شیمی سهم مسلمانان بسیار بیشتر و بدیع تر بود. نظام به اصطلاح عربی اعداد نظام شمارش جایگاهی که شامل استفاده از صفر که در اصل از هند وارد گردیده بود، می باشد.
- با این حال در خاورمیانه مسلمان بود که این شیوه وارد نظریه ریاضی گردید و سپس بعدها به اروپا انتقال داده شد. جبر و زمین شناسی و به ویژه مثلثات، عمدتاً از تلاش های عرب است.

- در حوزه فلسفه معرفی دیدگاه های یونانی حایز اهمیت فوق العاده ای بود برای نخستین بار فلسفه یونانی قابلیت های خود را در دوره مامون نشان داد. وقتی که ترجمه آثار ارسطو، تمامی فلسفه و دیدگاه الهیاتی اسلام را تحت تاثیر قرار داد و آثار جمعی از متفکران اصیل اسلامی نظیر الکندی (متوفای حدود ۸۵۰) که اتفاقا تنها عرب اصیل در میان دیگر متفکران است- فارابی (متوفای ۹۵۰) ابن سینا (متوفای ۱۰۳۷) و ابن رشد (متوفای ۱۱۹۸) را تحت نفوذ و تاثیر خود درآورد.

- معمولا گفته می شود که شرق تنها میراث علمی و فلسفی یونان باستان را حفظ کرده و میراث ادبی و زیبایی شناختی آن که تنها در غرب شناخته شده بود را نادیده انگاشت این نظر کاملا هم درست نیست. اعراب سنت یونانی- رومی در حوزه هنر و معماری را ادامه دادند و آن را تبدیل به پدیده های عجیب و غنی کردند



هنر بیزانس

- گرایش هنر بیزانس به سوی هنر انتزاعی و هنر قالب گرا در اسلام افزایش یافت به علاوه منع ترسیم تصویر گونه از بدن انسان در اسلام نهایتاً به هنر ترسیم هندس و سبکی بدل گردید.

گرایش هنر بیزانس به سوی
هنر انتزاعی

- هنر اسلامی تا حد زیادی مدیون تاثیرات و تلاش های ایرانیان و چینی ها است. در حوزه هنرهای تزئینی و صنعتی شاهد مشرب تلفیق و نوع آوری در تمدن اسلامی هستیم. روی دیوار های قلعه های بنی امیه در سوریه و وسایل خانگی و ابزارهای به دست آمده در حفاری ها در عراق و مصر شاهد هستیم که اعراب ابتدا آثار هنری- و حتی هنرمندان - را از دیگر تمدن ها به عاریت گرفتند و سپس مستقلا از آنها تقلید کردند و بالاخره آن را تبدیل به چیزی جدید، اصیل و زایا نمودند.

- برای مثال یافته های سفالین قرن نهم در عراق حاکی از وجود همزمان محصولات هنری بیزانس و ساسانیان در کنار یکدیگر و نیز اقلام وارداتی از چین و محصولات محلی تقلید شده از این اقلام و نیز محصولات جدید و غیر تقلیدی است که بر اساس تجربه و مدل های وارداتی و ارثی تولید شده بودند.

• یکی از دستاوردهای خاص هنر اسلامی هنر سفالگری پر آب و لعاب و زیبایی است که در دوران اسلام از عراق تا اسپانیا گسترده شد. همچنین صنعتگران امپراتوری اسلامی فنون فلز کاری، نجاری، سنگ تراشی، عاج، شیشه گری و بالاتر از همه این ها صنعت نساجی و فرش را به همان شیوه ابتدا به عاریت گرفتند و سپس با تقلید و تجربه به خلق سبک های خاص و مستقل جدید پرداختند.

**خلق سبک های خاص و
مستقل جدید**

• همچنین مفهوم کتاب در قالب مجموعه ای از صفحات به هم صفاحی شده که حاوی عنوان، موضوع ابتدا و انتها و بعضا تصاویر و تزئینات است نیز از تمدن های پیشین وارد اسلام شد. در ابتدا آثار ادبی عرب به صورت شفاهی و نقل قول منتقل و نشر می گردید و برای مدت زمان مدیدی کلام شفاهی تنها وسیله شناخته شده نشر بود. با افزایش حجم آثار ادبی نگارش آثار لازم گردید و هنرمندان به تهیه پیش نویس، سخنرانی و املاهای آثار خود پرداختند و کاتبانی را به خدمت گرفتند و در نهایت به کتاب نویسی پرداختند. این روند با اختراع کاغذ از سوی چینی ها در قرن هشتم آسان تر گردید.

● مسلمانان با پذیرش میراث یونانی به چالش میان گرایش عقلی و علمی دانش جدید از یک سو و کیفیت جوهری و فطری تفکر دین اسلام از سوی دیگر دامن زدند. در دوران چالش مسلمانان هر دو مکتب فرهنگ غنی و متنوع خلق کردند که بخش اعظم آن حایز اهمیت حاودانه در تاریخ بشر است. این چالش در نهایت به پیروزی دیدگاه اسلامی منتهی گردد. اسلام جامعه ای را که در آن اصول مذهبی حاکم بودند، ارزش هایی را که مسلمات بدیهی آن را به چالش می طلبیدند طرد می گردد. ولی از سوی دیگر نتایج و دستاوردهای آنها را اخذ می کرد و به وسیله مشاهده و تجربه آنها را حتی تکامل می بخشید.

**گرایش عقلی و علمی
دانش جدید**



- تجزیه و تحلیل ویژگی های ملت ها، اگر چه می تواند سرگرمی لذت بخشی محسوب گردد ولی کاری عبث است. این امر معمولاً بیش از آن که موضوع مورد تجزیه و تحلیل را توضیح دهد بر روی تحلیل گر پرتو می افکند. ملت یک سازواره و نظام بسیار پیچیده تر و متنوع تر از آن است که بتوان درباره آن بررسی آماری مبسوطی را انجام داد. بررسی آمار ای که به تنهایی هر گونه گزاره وزین علمی را اثبات کند.

- مشکل بزرگ تر وقتی است که بخواهیم از تمدنی صحبت کنیم که از حیث زمان و مکان از ما دور است و عمدتاً از طریق بقایای ادبی آن را می‌شناسیم. ادبیات عرب در قرون وسطی از اقلیت حاکم ممتاز حاصل می‌شود که امتیاز آنها نیز برخورداری از هنر نگارش و حمایت از هنرمندان بود.

اقلیت حاکم ممتاز

- بقیه مردم عوام، همواره ساکت بوده و به استثنای برخی فعالیت های اندک و پراکنده چیزی از آنها سراغ نداریم. اکنون با توجه به این قید و شرط که به آن اشاره شد، این امکان وجود دارد که برخی خصوصیات نوعی اعراب را اگر نگوییم تمدن غالب اسلامی، آن گونه که هنر و ادبیات عرب انعکاس دهد از هم تفکیک و مشخص نمود.

• اولین ویژگی که نظر ما را به خود چاپ می کند. قدرت پذیری و همگون سازی منحصر به فرد فرهنگی عربی است که اغلب به اشتباه آن را صرفاً تقلیدی می انگارند. فاتحان عرب برای اولین بار در تاریخ، سرزمین های وسیعی از مرزهای هند و چین تا مرزهای یونان، ایتالیا و فرانسه را متحد کردند. البته اعراب مدت کوتاهی با استفاده از قدرت نظامی و سیاسی خود و برای مدت مدیدی با استفاده از زبان و دین توانستند در جامعه ای واحد دو فرهنگ متضاد را کنار یکدیگر قرار دهند،

. قدرت پذیری و همگون سازی

• این دو فرهنگ عبارت بودند از سنت عصر طلایی و سنت متنوع موجود در حوزه مدیترانه که شامل یونان، روم، اسراییل و خاور نزدیک باستانی. به علاوه فرهنگ و تمدن غنی ایران همراه با شیوه تفکر و زندگی خاص آن و روابط پرباری که با فرهنگ های خاور دور داشت، از همزیستی ملت های بسیار و ایمان ها و فرهنگ های متعدد در محدوده جامعه اسلامی تمدن جدیدی پا به عرصه وجود گذاشت. که اگر چه از حیث منشا و خالقان آن متنوع بود، اما نشانه خاص اسلام بر تمام نموده های آن تاثیر گذاشت.

از حیث منشا و خالقان

• از این تنوع جامعه اسلامی ویژگی دوم یعنی تحمل نسبی که در آن جامعه حاصل می شود و نظر ناظران اروپایی را به خود جلب کرده است. نه بر خلاف تمدن های معاصر غربی، مسلمانان قرون میانه احساس نیاز نمی کردند که ایمان خود را با زور بر تمام کسانی حاکمیتشان هستند تحمیل کنند. همانند دیگر ادیان معاصر بر این باور بودند که انهایی که اعتقادات متفاوت دارند زمان مناسبی در آتش جهنم خواهد سوخت.

• ولی برخلاف ادیان معاصر دلیلی برای تسریع در اجرای احکام آسمانی در این دنیا نمی‌دید. اسلام در اغلب موارد به این که دین غالب جامعه باشد اکتفا می‌کرد. ولی مقررات حقوقی و اجتماعی معینی به دلیل توفیق خود بر پیروان دیگر ادیان وضع می‌نمود و با این عمل به شکل موثری این برتری خود را گوشزد می‌کرد، از دیگر جنبه‌ها یعنی اقتصادی مذهبی و فکری آنها را آزاد می‌گذاشت و این امکان را برای آنها فراهم می‌نمود که سهمی در تکامل تمدن اسلامی بر عهده گیرند.

• اسلام هم تقریبا مثل اکثر تمدن های دیگر بر برتری خود نسبت به دیگران اطمینان داشت و در اصول خود کفا بود. دیدگاه تاریخی اسلام که معتقد است ماموریت حضرت محمد آخرین مرحله از یک سلسله ماموریت الهی (وحی) بوده و یهودیت و مسیحیت مراحل قبل از اسلام بوده اند، باعث گردید که مسلمانان به یهودیان و مسیحیان به مثابه صاحبان نسخه های پیشین و ناقض آن چیزی بنگرند که خود نسخه کامل و نهایی آن را دارا هستند.

- برخلاف مسیحیت که قرن ها در قالب مذهب عوام و افراد فاقد قدرت حکومتی گسترش یافت و بعدها دین رسمی امپراتوری روم گردید، اسلام در طول حیات بنیان گذار خود آیین هدایت و رستگاری جامعه ای رو به گسترش و ظفرمند گردید..

- فتوحات وسیع و دامنه دار اسلام در قرون اولیه شکل گیری آن این باور را در اذهان پیروان خود ایجاد کرد که لطف الهی شامل حال آنان است و این لطف در شکل قدرت و موفقیت این جهانی تنها به جامعه ای اعطا گردیده است که مطابق قوانین الهی زندگی می کنند. مسلمانان می توانند از عقلای کافر و پیرو دیگر ادیان چیزهای بسیاری آموخته باشند. ولی شریعت معیار و محک ارزش گذاری درس هایی است که آموخته اند

- واژه ذره گرایانه اغلب برای وصف کردن عادت ذهنی و دیدگاهی استفاده می شودف که در برخی جنبه های تمدن اعراب به ویژه در دوران پساکلاسیک تاریخ آن قایل شناخت است، منظور از این اصطلاح ان است که زندگی و جهان به عنوان رشته ای از موجودات ایستا، ملموس و مستقل است که به شیوه ای مکانیکی و یا حتی روابط علت و معلولی به وسیله شرایط خارجی یا در ذهن افراد با یکدیگر مرتبط می گردند.

• ولی هیچ رابطه ارگانیک با یکدیگر ندارند. اگر چه این باور و نگرش همگانی نبود، ولی چنین نگرشی زندگی اعراب دوران وسطی را به شیوه های بسیار متفاوتی تحت تاثیر قرار داد. عرب جامعه خود را نه یک کل ارگانیک که از عناصر به هم مربوط و در تعامل با یکدیگر ترکیب یافته، بلکه به عنوان اجتماعی از گروه های مجزا- ادیان، ملل، طبقات - می نگریست که صرفاً به وسیله زمین زیر پایشان و حکومت بالای سرشان به یکدیگر متصل شده اند.

● شهروند توده ای از محلات صنوف قبایل و خانه ها بود که به ندرت هویت تا مدتی واحدی از ان خود داشت. بر خلاف دانشمندان و فیلسوفان از یک سو و عارفان از سوی دیگر، متکلمان ارتدوکس معمولی، محققان و ادیبان در برخوردشان گرایشی همانند به دانش نشان دادن. رشته های متفاوت مبین شیوه های متفاوت نیل به مقصودی واحد و ترکیب و امتزاج یافته هایشان در هیئتی واحد نبود بلکه اجزای مجزا و مستقل بودند که هزینه مقادیر محدودی از علم را دارا بوده و مجموع فزاینده آنها علم و دانش را تشکیل می دهند. عربی کلاسیک که فاقد حماسه و نمایشنامه بودف جاذبه های خود را زا راه مشاهدات وصف های مجزا، واضح و دقیق، هر چند تکه تکه، که با **تداعی معانی ذهنی** میان نویسنده و خواننده ایجاد یم گردید و به ندرت دارای طرح و ساختار بود، به دست آورد.

● شعر عربی مجموعه ای از خطوط مجزا و قابل تفکیک بود که همانند دانه های مروارید در خود کامل بودند و بعضا به جیا یکدیگر قابل استعمال، موسیقی عرب، مقامی و دارای وزن بود که حاصل تخیل و تنوع بود که هرگز به غالب یکنواخت رد نیامد. هنر عربی - عمدتا کاربردی و تزئینی - به دلیل ظرافت و کمال دقت - در مقابل ترکیب یا پرسپکتیو - ممتاز است مورخان و زندگی نامه نویسان، همانند داستان نویسان، آثار خود را به شکل رشته یا از واقعه کم و بیش بی ارتباط ارائه می دادند. حتی گاهی اوقات شاهد هستیم که فرد نیز به عنوان مجموعه ای از خصلت ها که اغلب قابل فهرست هستند و آن گونه که یکی از نویسندگان گفته، همانند مشخصات درون گذرنامه ترسیم می گردید.

- نکته اخیر بحث دیگری را به میان می آورد و آن عدم اصالت فرد حتی اصالت جمع است که ویژگی مستمر ادبیات منثور عرب است، فردگرایی آتشین اعراب پیشین با شدت هر چه تمام تنها در بنی بادیه نشینان به رواج خود ادامه داد و در مراکز تمدن به نگرشی انفعال و بی نام مبدل گردید.

**فردگرایی آتشین اعراب
پیشین**

• کتاب اثری شخصی و فردی نبود، بلکه حلقه اتصالی در زنجیره روایت در نظر گرفته می شد که نویسنده شخصیت خود را در ورای ارج و قرب و جایگاه راویان ارج و قرب و جایگاه راویان قبل پنهان می کرد. حتی شعر که ماهیتا بیان فردی دارد، اغلب همگانی و اجتماعی و نه شخصی و درونی در نظر گرفته می شد. این رویکرد جمع گرایی و غیر فردی، در بسیاری از جنبه های تفکر و ارمان های اسلامی و به ویژه برداشت مسلمانان از انسان کامل و دولت کامل به مثابه الگویی عمل برای همه است تا تلاش کنند با تقلید در عمل رشد پتانسیل های فردی را از درون خود با ان الگو وفق دهند.

رویکرد جمع گرایی و غیر فردی